

موزیم ملی، معرف قدامت تاریخی کشور

ن. فروتن

پرستگاه های یونان اشیای نفیسی جهت ارزش معنوی آنها گردآوری می شد و مردمی که برای نیایش به این مکانها می رفتند از دیدن آنها بهره مند می شدند. گرچه بنا بر روایت ایلیارد حماسه معروف یونان، در یونان باستان نجبا و اشراف مجموعه های خصوصی گردآوری می کردند.

موزیم ملی افغانستان از سابقه ترین موزیم های منطقه به شمار می رود در جریان جنگها فراز و نشیبهای فراوانی مانند غارت، اصابت موشک تخریب ساختمان و در نهایت قاچاق اشیای آن به کشورهای منطقه و جهان را تجربه کرده است. این موزیم که در حومه غربی شهر کابل در منطقه "دارالامان" قرار دارد، در سالهای اخیر تا حدی بازسازی شده است اما آثار جنگ و ویرانی

تاریخ شناسی داشت بلکه باعث احیای هویت و مدنیت تاریخی افغانستان شود و بتواند جنبه سیاسی نیز داشته باشد. اولین آثار تاریخی موجود در این موزیم نسخه های خطی، ابزار آلات جنگی، گلدوزی های دستی، سوزن دوزی، زر دوزی و همچنین اسناد تاریخی جزء اولین ورودی های این مجموعه بود که بیشتر از طرف مقامات افغان در هتل باغ بالا (اینترا کاتینتال) جمع آوری شد و تا سال ۱۹۲۵ در همان محل نگهداری می شد.

این آثار در سال ۱۹۲۵ به دلیل کمبود جای به کاخ ریاست جمهوری افغانستان در قصر "کوته باغچه" که خود از ابنیه های تاریخی کشور به شمار می رود منتقل شد و تا سال ۱۹۳۱ در این محل نگهداری شد.



در جامعه امروزی ما، موزیم نمایانگر نهادینه شدن این گرایش همگانی به گردآوری است. موزیم مؤسسه ای است دایمی و بدون هدف مادی که درب های آن به روی همگان گشوده است و در خدمت جامعه و پیشرفت آن فعالیت می کند. هدف موزیم ها تحقیق در آثار و شواهد بر جای مانده انسان و محیط زیست او، گردآوری، حفظ و بررسی و بهره وری معنوی است. مجموعه سازی برای انسان امری فطری است، ذوق و سلیقه در گردآوری آن بی شک همواره همراه او بوده است. در دوران نوع سنگی، انسان مجموعه هایی از صدف گوش ماهی سنگریزه و استخوان جانوران را گردآوری و از آن برای تزئینات استفاده می نمود. در مراحل بعدی تمدن این مجموعه ها بیاتر شیبه های اعتقادی و آیینی اقوام مختلف گردید. مجموعه های تزئینی و تجملی ای که خصوصاً در قبرستانهای تمدنهای باستان بین النهرین یافت شد اعتقاد به زندگی پس از مرگ را نشان داد. در عهد باستان اشیای گرانبها و نفیسی که کلاً جنبه نذری داشت برای بر آوردن نیازها در درون زیارتگاه ها و معابد گردآوری می شد. این امر در تمام جوامع تمدنهای باستانی فراوان یافت می شود. در پایان سده چهارم و آغاز سده سوم پیش از میلاد مسیح، که مصر پایگاه فرهنگ و هنر یونان

داکتر فرملی:

گروپ خون همه مردم ثبت گردد

با موجودیت جنگ هر آن احتمالاً حادثه خونین رخ خواهد داد که تعداد از زخمی شده و یا ممکن جان خویشرا از دست دهند. در یک چنین حالتی ایجاب مینماید تا درد هموطن خویشرا درد خود دانسته حداقل با اهدای خون طور رضاکارانه به کمک نیازمندان شتافته و زندگی ای را که مرگ تهدیدش می کند از خطر نجات داد. خوشبختانه داکتر حبیب فرملی جراح در شفاخانه بغلان مرکزی با راه اندازی کمپاین اهدای خون در آن ولایت و ارائه برنامه اهدای خون به افغانستان، طرحی را در ماه قوس ۱۳۹۵ خورشیدی به وزارت صحت عامه فرستاد اکنون این طرح با تأیید آن وزارت به نهاد هایی همکار در سکتور صحت مثل WHO، یونسف، سیف دی چلدرن، USAID، Hamayet نیز فرستاده شده است. خبرنگار روزنامه ملی انیس در این رابطه با داکتر فرملی مصاحبه انجام داده است که نشر می گردد.

داکتر فرملی گفت:

بیش از ده سال می شود که در بخش جراحی شفاخانه مسلکی شهر پلخمری کار می کنم و سه سال است که مسئول و هماهنگ کننده کمپاین اهدای خون و نیز تثبیت گروپ خون هستیم. ما در گذشته ها زمانیکه یک مریض نیازمند به «گروپ خون منفی» میداشتیم باید حدود ۳۰-۴۰ تن معاینه خون می نمودند تا گروپ خون یکی از آنها در مطابقت به خون مریض تثبیت میگردد. در یک چنین حالات برای مریض نیازمند، وقت، ارزش حیاتی دارد، زیرا با از دست رفتن فرصت ممکن حیات مریض را مرگ تهدید نماید، بناءً روی طرحی کار را آغاز نمودیم و نیز کمپاین را از طریق آگاهی دهی به مردم و باز نمودن صفحه فیس بوک بنام، اهدای خون بغلان را زندگی، «باشندگان ولایت بغلان را تشویق به اهدای خون برای مریضان و زخمیان نمودیم.

داکتر فرملی در باره سهولت های این طرح گفت:

معمولاً مردم کمتر علاقه به اهدای خون می گیرند، زیرا ترس دارند و یا متیقن نیستند که خون اهدایی



قبلاً ۲۰ دونر کمکی، خون در بدل پول، داشتیم، ولی حالا کمک کنندگان بی شمار و اهدا کنندگان رضاکار داریم که از برکت آنان رسم خرید و فروش خون، در این ولایت کاملاً از بین رفته است.

ما افرادی را با خانواده های شان حتی در پوهنتون این ولایت با تثبیت گروپ خون شان راجستر داریم که شامل دیتابیس بوده در مواقع ضرورت مراجعه و کمک صحت عامه پیشنهاد شده که باید گروپ خون همه مردم افغانستان تثبیت گردد حتی در حین تولد، گروپ خون نوزادان تثبیت شود و نیز با راه اندازی کمپاین های بزرگ آگاهی دهی، مردم وادار به ثبت و راجستر گردند.

وی در اخیر صحبت هایش خطاب به مردم کشور گفت:

کسانیکه صحتمند هستند و معیارات در بخش اهدای خون را تکمیل کرده اند، مرد ها هر سه ماه بعد بدون اینکه به مشکل مواجه گردند می توانند خون اهدا نمایند و خانها هر چهار ماه بعد می توانند خون اهدا نمایند. نیاز

پول رایج بود.

داکتر فرملی در ادامه افزود:

برای موفقیت این طرح، با رسانه ها و شورای علماء، تماس برقرار کردیم که خوشبختانه در دو سال، براساس چهار گزینۀ موجود برای اهدای خون، خرید و فروش آن کاملاً پایان یافته است.

قابل یاد آور است که بانک خون شفاخانه ولایتی کنترول و نظارت شده هر کس میتواند از آن دیدن نمایند.

همچنان در نظر است یک دیتابیس برای بانک مرکزی خون افغانستان ساخته شود. من برعلاوه اینکه عضو بورد تکنالوژی ITCC افغانستان هستیم وعده سپردم که روی سیستمی کار خواهیم کرد تا بانک مرکزی بتواند از تمام بانک های

گردید، بطلمیوس اول از سرداران اسکندر مقدونی (۳۲۱-۲۸۳ ق.م.) به اعتلای فرهنگ و هنر یونان همت گماشت و توجه برجسته ترین دانشمندان یونان، آسیای صغیر و پاره ای از کشورهای دور و نزدیک به مصر جلب شد. بطلمیوس در کنار کاخ مسکونی خود در شهر اسکندریه جایی را با نام موزیم مشتمل بر یک دانشگاه بزرگ، کتابخانه، آزمایشگاه رصدخانه و باغ گیاهان و جانوران تأسیس کرد، ولی پس از بطلمیوس این فکر دنبال نشد و از این موزیم فقط اشاره هایی در کتابها باقی مانده است. افراد عادی یونان هر چند که خود اشیای هنری گرانقیمت را جمع آوری نمی کردند موقیعت دیدن آنها را داشتند؛ زیرا در

هنوز هم بر چهره این ساختمان دیده می شود. موزیم ملی افغانستان در سال ۱۹۱۹ میلادی - ۱۲۹۷ هجری شمسی در زمان سلطنت "شاه امان الله" تأسیس شد. امان الله خان پس از این که توانست افغانستان را از استعمار انگلیس آزاد کند، به فکر ایجاد موزیم ملی افغانستان افتاد تا بتواند به این طریق زمینه رشد فرهنگی، سیاسی، مدنی و تمدنی را در افغانستان به نمایش بگذارد. شاه امان الله که تلاش هایش برای احیای فرهنگ، تمدن اسلامی و افغانی، که با تسلط انگلیس بر افغانستان زیر سؤال رفته بود، سعی کرد با تأسیس موزیم ملی افغانستان یک بنیاد تاریخی در این کشور ایجاد کند که نه تنها جنبه باستانی و

در سال ۱۹۳۱ تصمیم گرفته شد که مجموعه باقی مانده از آثار تاریخی به محل کنونی موزیم که در حومه دارالامان قرار دارد منتقل گردد. گذشت زمان باعث شد هر روز چهره موزیم ملی از حالت مردم شناسی و تبار شناسی به باستان شناسی تغییر کند. اضافه شدن اشیای مختلف به موزیم ملی افغانستان این موزیم را به مرکزی خاص در منطقه تبدیل کرد و این مرکز از معتبرترین موزیم ها در شورای بین المللی موزیم های منطقه شناخته شد. تا اواخر سال ۱۹۹۲ بیش از یک هزار آثار تاریخی در این موزیم نگهداری می شد اما زمانی که جنگ ها در شهر کابل آغاز شد دوره غارت و انحطاط موزیم ملی آغاز و مرکز مدنیت کشور

آثار را به موزیم بازگرداند و به پاس این خدمت، مورد تقدیر قرار گرفت. گرچه موزیم ملی کشور ما در دوران جنگ های تحمیلی آسیب فراوانی دیده است، اما با تلاش و پشت کار مردم عزیز کشور، وزارت اطلاعات و فرهنگ، کمک ایالات متحده امریکا، سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد و کشورهای دوست دوباره بازسازی واکثراً آثار باستانی مادوباره به کشور برگردانده شد. باید گفت که در موزیم ملی افغانستان آثار گرانبها از تمدن و فرهنگ های بودایی، اسلامی و تاریخ کهن کشور موجودی باشد. بنابراین موزیم ملی کشور را یکی از موزیم های غنی کشورهای منطقه محسوب می نمایند. ■

شان به نیازمندان برسد حتی در بعضی موارد اعضای خانواده ها حاضر نیستند تا از قبل گروه خون شان را تثبیت نمایند بخصوص آنده خانواده هایی که گروه خون منفی دارند که در بعضی مواقع پیدا نمودن اهدا کننده این گروه خون مشکل است و با این که در مواقع نیاز باید از دونهان اهدا کننده خون در بدل پول خریداری شود چون مریض و مریضداران اکثراً از استطاعت مالی خوب برخوردار نمی باشند. این مسأله یکی از چالشهای اساسی در کشور است. با اقدامی که نمودیم توانستیم بیست هزار تن را تشویق به تعیین گروه خون و اهدای خون مجانی نماییم که قبلاً خون دهی، تبادل وی و یا در بدل

افغانستان همزمان را پور داشته باشد و مشکل نیازمندان را حل نماید. یک نکته را قابل ذکر میدانم اینکه در افغانستان راه اندازی کمپاین های اهدای خون امر معمول است. ولی ما خانواده ها را تشویق نمودیم تا گروه های خون شان را تثبیت نمایند و همچنان باید بانک های اهدای خون زنده ایجاد گردیده و مردم با تثبیت گروه های ۴ گانه منفی و مثبت خون شامل دیناسی شوند تا در مواقع ضرورت از طریق صفحه فیسبوک افراد اهدا کننده بخصوص برای گروه منفی خون فراخوانده شود. اشخاص تحت پوشش این طرح زخمیان، مادران نیازمند در جریان عملیات و قبل از عملیات، کودکان مبتلا به تالاسمی و هموفیلی است.

است اهدا کننده قبل از مراجعه به شفاخانه ها گروه خون شان را تثبیت و خون مورد نیاز را اهدا کنند. در حال حاضر در افغانستان مشکل مواد مخدر وجود دارد. و تعدادی از معتادین حاضر به اهدای خون می شوند. باید معاینات صحی انجام شود. جادارد تا مستمر در نهادینه شدن این هدف شهروندان افغانستان پیشقدم باشند. گفتنیست که وزارت صحت عامه کشور در حال حاضر بیشتر از ۲۷۷ هزار اهدا کننده خون منظم بدون پرداخت پول ثبت و راجستر دارد که ۹۶ درصد آن مردان، ۴۷ درصد اهدا کنندگان داوطلب و ۵۳ درصد دیگر اهدا کنندگان فامیلی اند.

حامده صدیقی

مل پاسوال مسلمه امانی:

از طریق ریاست پاسپورت، روزانه حدود پنجهزار جلد پاسپورت توزیع می گردد



حدود دو هزار جلد پاسپورت و در ولایات حدود سه هزار جلد پاسپورت توزیع می نماید. برای کسانی که سن شان از ۱۴ سال بالاتر است قیمت فی جلد پاسپورت پنج ساله مبلغ ۵۰۰ افغانی و برای متقاضیانی که سن شان پایتیر از ۱۴ سال است ۳۲۵۰ افغانی و افرادی بالاتر از ۱۸ سال باشد در صورتی که متقاضی پاسپورت ده سال داشته باشند فی جلد پاسپورت یازده هزار افغانی است.

معاون ریاست پاسپورت پیرامون پروسیجر توزیع پاسپورت در مرکز و ولایات توضیحات داده گفت: پروسه توزیع پاسپورت در مرکز ولایات به اساس درخواست متقاضی صورت می گیرد. بعد از تحویلی پول پاسپورت و بایومتریک اجرا آت صورت می گیرد. **موصوف در مورد اینکه برای مامورین عالی رتبه و پایین رتبه دولتی و نظامی تخفیف وجود دارد یا خیر گفت:**

محمد نعیم نوابی

فساد پدیده ای است که کم و بیش در تمام کشورهای جهان وجود دارد. امان نوع، شکل، میزان و گسترده گی آن در هر کشور متفاوت است، همانطور که نتایج و پیامدهای آن نیز متفاوت است. در هر صورت فساد موجب انحطاط است، سیاست های دولت را در تضاد با منابع اکثریت قرار می دهد، باعث هدر رفتن منابع ملی و ضربه به امنیت ملی و وحدت ملی می شود.

فساد از درجه مشروعیت و اثربخشی دولت می کاهد تا آن اندازه که می تواند دولت ها و نظام های سیاسی را با بحران مشروعیت مواجه سازد. فساد از هر نوع آن که باشد ثبات و امنیت جوامع را به خطر انداخته و تهدید جدی علیه امنیت ملی محسوب می شود. فساد، ارزش های اسلامی، اخلاقی و آزادی سیاسی را مخدوش ساخته و از این طریق مانع توسعه سیاسی

حکومتها و دولتها از سالیان متمادی با مشکل سوء استفاده کارگذاران دولتی از منابع و فرصتها روبرو بوده اند و در متون باستانی نیز اشارات متعددی به این پدیده شده است که نشان می دهد حکومتها همیشه نگران سوء استفاده شخصی صاحب منصبان

بنابراین مقابله با فساد از طریق استفاده از تجریبات کشورهای موفق در عرصه استقرار نظام اداری ضرورت جدی و انکار ناپذیر است. البته تلاشهای خوبی در طول سالیان متمادی بخاطر از بین بردن فساد در کشور انجام شده است. ولیکن



اگر باز هم دولت نیز همچون دولت های گذشته رویکرد شعاری و غیر عملی را در بحث مبارزه با فساد دنبال کند، نه تنها هیچ دستاوردی نصیبمان نخواهد شد، بلکه تجربه ای بر تجربه های تلخ گذشته افزوده شده و امکان پیگیری جدی این مطالبه صحیح اجتماعی در آینده نیز از بین خواهد رفت.

برای از بین بردن فساد، بهترین راهی که به نظر اندیشمندان رسیده این است که اقسام گوناگون قدرت مشخص شده و اجرای آن را به دستگاه های جداگانه سپرده و به نحوی به کار برده شود که مدیریت هیچ یک از قوا، توان اعمال نفوذ در قدرت دیگر را نداشته باشد؛ زیرا مقامات سیاسی و حکومت گران، غالباً در پس لفاظی های فریبنده در باب

فساد چرا ریشه کن نمیشود

پاسپورت یکی از ضروریات مبرم کشورهای جهان می باشد که به منظور سیاحت، تجارت، تداوی، مریضی، سیاسی و دیپلماسی توسط آن با اخذ ویزا به کشورهای دیگر میتواند آزادانه سفر نماید. از سوی ریاست پاسپورت روزانه حدود پنجهزار جلد پاسپورت کمپیوتری برای متقاضیان توزیع میگردد.

خانم امانی افزوده: ریاست پاسپورت وزارت امور داخله روزانه در مرکز در



واجتماعی جامعه می شود و زمینه تضعیف روحیه افراد درستکار را فراهم می آورد.

فساد انحصار طلبی به علاوه سوء استفاده از قدرت، منهای پاسخگویی و شفافیت عملکردی است که فعلا در کشور ما رایج گردیده است.

فساد، نقض قوانین موجود برای تامین منافع و سود شخصی است.

و کارگزاران دولتی وقانون گذار از موقعیت و امتیاز شغلی خود بوده اند.

همچنان فساد زمینه رکود در تمام ابعاد را فراهم می سازد و از طرف دیگر، هر کجا فساد ریشه بدواند، روزه روز بیش تر شده، مقابله با آن بسیار دشوار می شود و ریشه های آن هر روز عمیق تر در بطن جامعه نفوذ می کند.

کشف برخی فسادها نشانگر عدم توجه به نهادهای نظارتی و انتصابات غلط در پست های کلیدی و تصمیم گیر است.

حال سوال این است که چرا با وجود اجماع نظری در موضوع مبارزه با فساد، در عمل و در واقعیت کشور، هیچ تحول چشمگیری از سوی دولت در این حوزه مشاهده نشده است؟

خبر و صلاح مردم، علاوه بر خودسری و زورگویی، دست به پنهانکاری هایی به سود خود یا نزدیکانشان هم می زنند.

اعتماد عمومی یکی از سرمایه های اجتماعی است که وحدت را در سیستم های اجتماعی ایجاد و حفظ نموده و ارزشهای دموکراتیک را پرورش می دهد.

فرهنگ و اجتماع



به بهانه سالروز درگذشت میر فخر الدین آغا نعت خوان مشهور کشور

میر فخر الدین، نام پرافتخار و جاویدان

قریشی

برعلاوه آن سید حمید الله روغ و به تعقیب آن الحاج عبدالغفور رغبت کابلی نیز راجع به وی نبشته های دارند که در رسانه ها چاپ گردیده روزنامه (اعتیاد) مورخ چهارشنبه ۵ جوزا سال ۱۳۹۵ هـ ش چاپ کابل در ص ۲ هم راجع به شخصیت وی شعر صوفیانه را بدست نشر سپرده که دریک قسمت آن میخوانیم:

خبر آمد که مظهر از جهان رفت
نواى دوستان در آسمان رفت
فغان بلبلان روی گلشن
شده خاموش آن سرو روان رفت

مردم شریف کابل و ولایات همجوار و بلخ در مراسم جنازه و تدفین میر فخر الدین آغا نعت خوان مشهور و پرافتخار کشور در روضه مبارکه حضرت علی (رض) در شهر مزار شریف عصر ۲۷ ثور شرکت نمودند و با احترام کامل و دعاخوانی به خاک سپرده شد.

اقتباس از روزنامه ملی انیس ۲۹ توره ۱۳۸۵.
میر فخر الدین آغا در ۶۳ سال عمر پُر بارخود سه بار به خانه خدا مشرف شد وی در روزهای جمعه در محضر پاچا صاحب نعت خوانی میکرد و بعد در

نعت خوانی پس از ارشاد دین مبین اسلام توسط نعت خوانان و شاعران سبک صوفی خوانان به میان آمد و فعلاً به مدارج بلندی رسیده است. محافل و اشعار این دوره طولانی بوده و اکثراً حلقه کشیده و گاهی هم صوفیانه کشور ما به تنهایی میخوانند حالاً در سبک این صوفیان بزرگ موضوع ضبط کردن و چندین بار پخش کردن شامل گردیده است.

در زبان های ملی پشتو و دری ما از کتب حضرات رحمان بابا و خوشحال بابا خواجه عبدالله انصاری، حافظ صاحب قندی آغا و... کار گرفته می شود.

چی به یوه قدم تر عرشه پوری رسی
مالیدلی دی رفتار د درویشانو
شخصیت میر فخر الدین آغا:

مرحوم میر فخر الدین آغایکی از مشهور ترین نعمت خوانان در افغانستان بود. که شیوه و سبک خاص را در نعت خوانی ایجاد کرد و امروز بیشترین جوانان نعت خوان از مکتب و شیوه (سبک) وی تقلید و پیروی میکنند.

میر فخر الدین آغا بنام های میر صاحب، آغا صاحب، میر فخر

کشت آفت رسیده را مانم
دست تقدیر از تو دورم کرد
گل از شاخ چیده را مانم
توان بر گرفتم از خاک
اشک از رخ چکیده را مانم
پیش خوبانم اعتباری نیست
جنس ارزان خریده را مانم

پیش بی دردان چرا فریاد بی حاصل کنم
گر شکوه دارم ز دل با یار صاحب دل کنم
در پرده سوزم همچو گل، در سینه سوزم همچو مل
من شمع رسوا نیستم تا گریه در محفل کنم

غرق تمنای توأم موج ز دریای توأم
من نخل سرکش نیستم، تا خانه در منزل کنم
ساقی بده پیمانگی ز آن می که می خویشم کند
بر حسن شور انگیزه تو عاشق تر از پشم کند
چون زلف توأم جانا در عین پریشانی
چون باد سحر گاهم در بی و سر سامانی
پیش بی دردان چرا فریاد بی حاصل کنم
گر شکوهی دارم ز دل با یار حساب دل کنم
غزل های زیبا:

خیال انگیز و جان پرور جو بوی گل سراپایی
نداری غیر از این عیبی که می دانی که زیبایی
من از دل بستگی های تو با آئینه دانستم
که پر دیدار طاقت سوز خود عاشق تر از مایی
به شمع و ماه حاجت نیست، بزم عاشقانت را
تو شمع مجلس افروزی تو ماه مجلس آرایی
مرا گفتی که از پیر خرد پرسم علاج خود
خرد منع من از عشق تو فرماید چه فرمایی

آب بقا کجا و لب نوش او کجا
آتش کجا و گرمی آغوش او کجا
سیمین و تابناک بود روی مه ولی
سیمینه مه کجا و بنا گوش او کجا
خفتم به یاد یار در آغوش گل ولی

رهی معیری

شاعر عاشق، یاعاشق شاعر

دکتور شمس الحق آریانفر



سایه عمر چندین چاپ
آزاده مجموعه ترانه ها

گل های جاویدان، انتخاب شعرهای شعری مقدم
رهاورد رهی، مجموعه شعر با کوشش دلروش صور.

رهی استاد غزل است. غزل هایش تا آنجا عاطفی، خیال پر انگیز و احساسی است که در تیلور صمیمیت شاعر، میتوان این ویژگی ها را لمس کرد. از همین جاست که بیشتر هنرمندان در افغانستان نیز هنرمندان شعر های رهی را برای تصنیف ها و آهنگ های خود برگزیده اند. زیرا در خوانش آن تجسم احساس خویش را مشاهده می کنند و شنونده نیز به سادگی به عمق آن می رسد. نمونه های از

توده متهم شد و اعضا ورهبری آن به شمول کیانوری و مریم که معشوقه قبلی رهی بود وبا او قول ازدواج داده وبعد با کیانوری ازدواج کرده بود، فراری گردیدند و نا پدید شدند.

رهی بر قول خود ایستاد و تا آخر عمر ازدواج نکرد. رهی در ۱۳۴۷ وفات کرد. مریم در سال ۱۳۵۷ به ایران آمد و تا سال ۱۳۸۶ هم زنده بود؛ در حالی رهی صادق و وفادار او ۴۰ سال قبل از دنیا رفته بود.

رهی که عاشق مریم بود و تا اخیر وفادار ماند، بعد از این عشق بیشتر زمزمه هایش بوی مریم گرفت و به گونه مستقیم و غیر مستقیم از مریم گفت:

عروس چمن مریم تابناک

رهی معیری شاعر و غزل سرای معاصر ایرانی، بیشتر از همه توجه هنرمندان، شاعران و فارسی گوی و به ویژه هنرمندان افغانستان را به خود کشیده و عاشقان را بدنبال خود دوانیده است. رهی سرایش صمیمانه دارد، رقت قلب و یافت های نهانی اش را می سراید و تجربه های روزانه اش را از عشق و زندگی به نمایش می گذارد. ابهام گزایی، خیالات ناشناخته و عشق های انتزاعی را مدنظر ندارد. چنان دریای عشق خود می ایستد که با وجود رفتن معشوق از حضورش، همیشه با او زندگی می کند. همسری انتخاب نمی کند و بیاد محبوب زندگی را در تجرد به پایان می رساند.

رهی معیری با چند ویژگی به شناسایی می آید: شاعر، تصنیف ساز، موسیقی دان، نقاش. رهی در سال ۱۳۸۸ در تهران به دنیا آمد، در ۱۷ سالگی نخستین مایه های شعری او جوانه زد که گفت:

کاش امشب آن شمع طرب می آمد
وین روز مفارقت به شب می آمد
آن لب که جو جان ماست دور از لب ماست
ای گاش که جان ما به لب می آمد
در شعر رهی معیری تخلص می کرد و در نوشته های طنزی به نام های مستعار: زانچه، شاپریون، گوشه گیر، حق گو مطلب می نوشت. اشعار رهی خیال انگیز، آراسته، مستقیم، آهنگین و دارای ترکیب عالیست.

رهی در کنار شعر به کارهای دفتری نیز پرداخت. مدتی رئیس کل انتشارات وزارت پیشه و هنر (صنایع) شد در کتابخانه سلطنتی کار کرد، عضو



انجمن حکیم نظامی شد که توسط وحید دستگیردی اداره می شد؛عضو انجمن ادبی فرهنگستان بود؛دوبار درسالهای ۱۳۴۱ و ۱۳۴۵ به افغانستان سفر کرد. درسال ۱۳۴۷ نسبت سرطان معده پدروود حیات گفت. رهی هنگام وفات ۵۹ سال داشت.

قصه عشق رهی نیز همچون شعرش شندینست .رهی در آوان جوانی با زیبا ترین زن آن وقت تهران، مریم فیروز آشناشد.مریم ازخانواده قاجار ، دختر فرمانفر و دختر مامای آشنایی به محبت انجامید. مریم تعهد کرد که رهی را فراموش نخواهد کرد. مدتی بعد نورالدین کیانوری مهندس جوان از المان به ایران آمدو انجنیر ساختمان تعمیر مریم گردید . این همکاری سبب شد که مریم از اسفندیاری شوهر نخست خود جدا شود، رهی را فراموش نماید و با کیانوری ازدواج کند.

درکودتا۱۳۲۷ بر علیه دولت ، حزب

گروبرده از نوعروسان خاک
به رخ نور محض و به تن سیم ناب
به پاکی جو اشک وبه صافی چو آب
چو در خاک تیره شود منزل
بود داغ آن سیم تن بر دل
بهاران چو گل بر چمن در زند
گل مریم از خاک من سر زند

درسایر سروده ها ، آنجا که نام مریم نیست ، بازهم یاد و خیال و احساس مریم را می شود لمس کرد:

خیال انگیز و جان پرور چو بوی گل سراپایی
نداری غیر از این عیبی که می دانی که زیبایی
من از دلنگی های تو با آئینه دانستم
که بر دیدار طاق سوز خود عاشق تر از مایی

«شد خزان» شاید قطعه ایست که بعد از فراری شدن مریم ، رهی سروده است:
شد خزان گلشن آشنایی
بازم باد آتش به جان زد جدایی
عمر من ای گل طی شد بپر تو
وز تو ندیدم جز بد عهدی و بی وفایی
آثاررهی:

رهی را به عنوان شاعر، موسیقی دان نقاش و تصنیف سازی شناسند.از رهی درزمینه شعر این آثار بر جا مانده است:

از پنجره طنز، معرفت و تاریخ به «آئینه» می نگرم

(۲۹)

مرحوم جلال نورانی

ننموده و این موضوع مهم را به میان می آورد که وقتی امیر متن فارسی توافق را امضاً ننموده که طبعاً چون زبان انگلیسی نمی دانست، متن انگلیسی را نیز امضاً نکرده است. بناءً اعتبار توافق مشکوک می باشد. مبارز بار دیگر از کتاب حسن کاکر نقل قول می کند: دکسور محمد حسن کاکر در صفحه ۱۸۶ کتابش تحت عنوان (a Political and Diplomatic History of Afghanistan)می نویسد: در آرشیف کابل، دهلی جدید و لندن، یعنی جاهایی که من تحقیق می کردم، متن توافق را ندیدم که دیورند و امیر در

غزل های رهی را می آورم که درافغانستان بیشتر هنرمندان درآهنگ های خویش آنها را خوانده اند و مورد پسند مردم وعام است هر صاحب ذوقی چندمصراع آنرا بیاد دارد :

نداندرسم یاری بی وفا یاری که من دارم
به آزار دلم کوشد دل آزاری که من دارم
نه به شاخ گل، نه بر سرو چمن پیچیده ام
شاخه ی تنها به گرد خویشن پیچیده ام
-اشکم ولی به پای عزیزان چکیده ام
خارم ولی به سایه گل آرمیده ام
-من جلوه شباب ندیدم به عمر خویش
از دیگران حدیث جوانی شنیده ام
-موی سپید را فلکم رایگان نداد

این رشته را به نقد جوانی خریده ام
چون زلف توأم جانا در عین پریشانی
چون باد سحر گاهم در بی سر و سامانی
-من خاکم و من گرمم، من اشکم و من دردم
تو مهری و تو نوری، تو عشق و تو جامی
-ای شاهد املاکی در مستی و در پاکی
من جسم تو امانم تو اشک مرا مانی

لاله داغدیده را دامانم

آغوش گل کجا و پرو دوش او کجا

سنگ مزار

الا ای رهگذر کز راه یاری
قدم بر تربت ما می گذاری
در اینجا شاعر غمناک خفته است
رهی در سینه این خاک خفته است
ز سوز سینه ما را مهری کن
جو بینی عاشقی یاد رهی کن
بیتها:

-از محبت نیست گر باغیر، آن بد خوشت
تا مرا از رشک سوزده، در کنار او نشست
-از نگاهی می نشیند بر دل نازک غبار
خاطر آئینه راه، آهی مکرر می کند
-خمش باشی گرت بند می دهد عامل
جواب مردم دیوانه را نباید داد

-گر فلک نساخت قبر ما، رهی عیش مکن
ابله ارزان می فروشد گوهر نایاب را
درون اشک من افتاد نقش اندامش
به خنده گفت که نیلوفری ز آب دمید
-چرا آتش زدی در خانه ما

رهی را با تگاهی می توان سوخت

الدین و فخر الدین آغا مشهور بوده است. میر فخر الدین آغا در سال ۱۳۲۵ شمسی در شهر کهنه کابل دیده به جهان گشود، در سن هفت سالگی شامل صنف اول مکتب ابوریحان البیرونی گردید. در سال ۱۳۳۸ ش شامل صنف هفتم لیسه عالی حبیبیه شد و در سال ۱۳۴۱ بعد از اكمال دروس از صنف نهم فارغ و شامل کورس مستعجل ریاست تعلیم و تربیه وزارت جلیله دفاع ملی گردید و بعد شامل پوهنځی پیاده (ح، پ) شده و بعد از انجام وظایف صادقانه وطندوستانه نظامی به تقاعد سوق شد.

میر فخر الدین آغا این نعمت خوان مشهور و شخصیت صوفی مشرب و پر آوازه کشور حوالی ساعت چهار بجه صبح روز پنجشنبه ۲۶ ثور ۱۳۸۵ شمسی بالاتر سکنه مغزی در کابل با زندگی و داع نمود، هزاران تن از

سایز خانقاهای کابل بالاخص در خانقا مشهور و تاریخی پهلوان شهر کهنه کابل حاضر بود، و آوازه آواز و شخصیت صوفیانه او کم کم از محیط کابل فراتر رفت و همه گیر شد.

شخصیت ها راجع به میر آغا صاحب گفته اند: جناب مولانا حبیب الرحمن مهدی قریشی راجع به شخصیت ۱۵۰ تن از رجال اهم معلومات داده اند که میر فخر الدین آغا که گاهی در رادیو کابل (رادیو افغانستان) نعت می خواند، آنرا بنام صوفی دانا یاد کرده و محبت نشان داده اند.

پاچا صاحب کتبی که از معاریف شهر کابل بود و محمد صدیق نورمحمد، محمد ظاهر و دیگر نقیبان، صوفیان و شخصیت های عرفانی مدت پیش وحالیه چون مولانا محمد احسان صیقل صاحب راجع به شخصیت شان محبت نشان داده و بنام نیکو و افتخار یاد کرده اند.

ضرورت و مزیت ثبت احوال نفوس

قانونیار احمد بصیر صمدی

اهتمام لازم صورت گیرد، اما طوری که ملاحظه می شود ارائه خدمات ثبت احوال نفوس در کشور ما عاری از مشکلات و چالش ها نبوده و بدست آوردن تذکره تابعیت با روش ابتدایی که از سالیان متمادی به آن عمل می شود، در شرایط کنونی به هیچ وجه جوابگوی نیازمندی شهروندان نبوده و از جانب دیگر کارآیی اداره ثبت احوال نفوس را نیز تحت الشعاع خود قرار داده است لذا به نظر می رسد در کارکردهای اداره ثبت احوال و نفوس و روش توزیع تذکره تغییرات لازم مطابق به شرایط نوین و مقتضیات عصر صورت گیرد. بدین منظور دولت افغانستان با انضاد قانون جدید ثبت

بگریید ای مسلمانان بگریید
که آن خوشخوان بزم عارفان رفت
زجمع عاشقان بزم خوبان
مگر فرهاد نامی از میان رفت
زگلزار نبی یک برگ دیگر
شده پرپر به خاک استان رفت
به بزم خانقاه گویی خموشیست
که آن شوریده حال صوفیان رفت
یادداشت:

به روز جمعه مبارک ۲۲ ثور سالجاری ساعت ۹:۳۰ صبح الی ۱۲ بجسه روز راجع به یادشخصیت صوفیانه و بزرگ میر فخر الدین آغا یک مجلس بزرگ در خانقاه پهلوان شهر کهنه کابل با ابتکار مولانا صیقل و دیگر دوستان میر فخر الدین آغا برگزار شده بود و یاد سالگرد ۷۱ سالگی آنرا کردند به روح مرحومی دعا فرستادند.

خداوند! ببخشا فخرالدین را
که نامش جمله را اندر زبان رفت

جامعه و پلان گذاری های کلان کشوررا ممکن می سازد. استفاده از تکنالوژی روز دنیا برای ارائه خدمات الکترونیکی نشانه پویایی و کارآمدی اداره ثبت احوال و نفوس است و انجام طرح های بزرگی همچون کارت هوشمند ملی صدور تذکره الکترونیکی، آرشیف الکترونیکی اسناد سجلی و ایجاد پایگاه اطلاعات جمعیتی از نقش مهم ثبت احوال در استقرار دولت الکترونیک، از ارزش و جایگاه این اداره در روزگار نوین حکایت دارد.

بناءً دولت ها مکلف اند تا با ایجاد خدمات ثبت احوال نفوس انسجام در امور همگانی را بوجود آورند، پس باید کارکرد ادارات ثبت احوال نفوس از کیفیت و مؤثریت خوب برخوردار باشد در غیر آن امکان بروز مشکلات برای شهروندان در امر داشتن اسناد هویتی (تذکره) و رفع مشکلات که در اسناد

آن امضاً کرده باشند.(۲۶)

امیرعبدالرحمن که سال‌های زیادی را در آن‌سوی آمو به سر برده و در کشمکش‌ها با خانواده و قوم و تبار خود آبدیده شده بود، در ک بسیار بالا از سیاست‌های روس و انگلیس داشت. او چنان بر خوردی را در پیش گرفت که هم روس و هم انگلیس در پادشاه شدن او همدستان شوند، اما وی با مهارت و زیرکی در آن

نگذارند و اگر نامه‌یی داشته باشند خودشان در سرحد متوقف و نامه‌ها به کابل ارسال گردد.» (۲۷)

و اما در پادشاه شدن و به قدرت رسیدن امیرعبدالرحمن، سید قاسم رشتیا به این عقیده است که هم روس و هم انگلیس بر رسیدن او به تخت کابل توافق کامل داشتند. او می‌نویسد: «حقیقت این است ادامه دارد

دولت مصمم است و در این راستا آمادگی خود را اعلام کرده تا سیستم فعلی را به سیستم جدید یا تذکره الکترونیکی تعویض کند و همگام با آن از پیامدها و مزیت‌های راه اندازی سیستم جدید در خدمات ثبت احوال نفوس سخن گفته می‌شود و حتا عملاً قانون آن از طرف شورای ملی تصویب و به توشیح رئیس جمهور رسیده با در نظرداشت بعضی معاذیر و مشکلات

خلاصه آن تعریفی است که در اصطلاح عام به آن ثبت احوال و نفوس می‌گویند. این رویدادها (اتفاقات) در دفاتر مخصوص ثبت و در آرشیف‌های ادارات ثبت احوال و نفوس، نگهداری می‌شود.

ثبت احوال نفوس در افغانستان سابقه طولانی داشته و با انفاذ نظامنامه تذکره

در سال ۱۲۹۳ هـ.ش به نظر می‌رسد که نظام آن زمان به اهمیت و ارزش ثبت

هم شیوه‌ای برای اثبات هویت است و هم وسیله برای انتشار و اعلام وضعیت مدنی افراد به سایر شهروندان با در نظر داشت اینکه اسناد ثبت احوال امری اعتباری و ساخته قانونگذار است، ارزش اثباتی این اسناد بستگی به میزان اعتباری دارد که در هر نظام حقوقی به این اسناد داده شده است.

جایگاه و ارزش ثبت احوال نفوس ضرورت به تأکید ندارد و باید به آن

احوال نفوس منتشره جریده رسمی ۱۱۵۴ سال ۱۳۹۳ مصمم است خدمات ثبت احوال نفوس را با تکنالوژی نوین به شهروندان ارائه نماید. از اینکه کار کرد ثبت احوال به مثابه سیستم مادر است و در صورت تطابق خدمات ثبت احوال نفوس با تکنالوژی جدید رسیدن به اهداف کلان تر ممکن می‌شود و اینجاست که ثبت احوال نقش حیاتی در اداره و کنترل امور شهروندان،

مذکور بوجود میاید کار آسان نخواهد بود. تجربه نشان داده کشورهای که در این راستا پیشرفت خوب داشته، توانسته اند که خدمات با کیفیت را به شهروندان عرضه کنند و همگام با آن استفاده اعظمی از ثبت احوال شهروندان با بهره گیری از تکنالوژی موجود در عصر حاضر بپردازند مثل بدست داشتن سریع آمار و ارقام مختلف از وضعیت شهروندان،